راز قتل يك دختر

25 فروردين 1401

يكي از تجربه‌هاي دوران ۶۵ ساله روزنامه‌نگاري‌ام اين است كه در بخش حوادث مي‌توان از طريق خوانندگان روزنامه در جريان رويدادها قرار گرفت. در دوره‌اي كه دبيري سرويس روزنامه كيهان را بر عهده داشتم، شماره تلفني را به خوانندگان اختصاص داده بودم تا هرگاه رخداد يا واقعه‌اي را در جايي مشاهده كردند با گروه حوادث روزنامه تماس بگيرند تا خبرنگاري را براي تهيه گزارش به محل حادثه بفرستيم و از اين طريق به خبرهاي جالبي دست مي‌يافتيم كه واقعه قتل معشوقه يكي از برادران طردشده شاه از آن جمله است.
صبح يك روز در دي‌ماه سال 1339 كه كارم را در تحريريه روزنامه شروع كرده بودم تلفن مخصوص خوانندگان زنگ زد. تماس‌گيرنده زن جوان ناشناسي بود كه خبر از يك جنايت داشت. او گفت: نيمه شب ديشب دختري به نام فلور را كه معشوقه شاهزاده حميدرضا كوچك‌ترين برادر شاه بوده در آپارتمانش كشته‌اند و حالا جنازه اين دختر در آپارتمانش افتاده. پرسيدم؛ چه كسي اين دختر را كشته؟ انگيزه قتل چه بوده؟ كه گفت: اين دختر با نام مستعار فلور با حميدرضا پهلوي رابطه داشته و از او باردار شده بود. «هما.خ» معروف به موطلايي شهر كه همسر غيرقانوني شاهزاده حميدرضاست. وقتي حميدرضا از راز بارداري فلور باخبر شد از اين دختر خواست سقط جنين كند اما وقتي جواب مخالف شنيد نيمه‌هاي شب به آپارتمان فلور رفته و ضمن نزاع او را كشته.
خبرنگاري هم كه به محل حادثه رفته بود در تماس تلفني خبر داد مقتول دختري 18 ساله به نام ديران آغاسي از نوادگان حاج ميرزا آغاسي صدر اعظم محمدشاه قاجار بوده كه با نام مستعار فلور در يكي از بارهاي شبانه تهران معروف به بار آبان با مردان پولدار حشر و نشر داشت كه براي ساعتي همنشيني با آنها هداياي گرانبهايي دريافت مي‌كرد. از جمله دلبسته‌هاي پولدار فلور بازرگان جواني بود كه دسته كليد طلاي يك اتومبيل بنز را به او بخشيده بود تا اينكه حميدرضا اين شاهزاده عياش طرد شده در دربار به فلور دل بست و محافظان حميدرضا بزن بهادرش را پيش بازرگان فرستاد و به او اخطار داد كه ديگر سراغ فلور نرود. فلور در يكي از كوچه‌هاي خيابان بهار در آپارتماني تنها زندگي مي‌كرد و يك پسر بچه 14 ساله روستايي كار خانه‌اش را انجام مي‌داد. طي مكالمه تلفني از زن ناشناس پرسيدم عاملان قتل فلور كي بوده؟ در جواب گفت: تا آنجا كه خبر دارم هما.خ معروف به موطلايي شهر همسر غيرقانوني حميدرضا همراه مردي نيمه شب وارد آپارتمان شده ابتدا فلور را تهديد كرده كه بايد جنين متعلق به شاهزاده حميدرضا را سقط كند اما در جريان نزاعي كه بين آنها در گرفته با يك قندشكن به سر فلور كوبيده و بعد با مرد همراهش آپارتمان را ترك كردند. پس از اين تماس تلفني با كلانتري خيابان بهار تماس گرفتم تا درباره جزييات اين جنايت بدانم. افسر نگهبان كلانتري وقوع قتل را در كوچه پاك تاييد كرد و گفت: ماموران‌مان را براي تحقيق محلي به محل جنايت فرستاده‌ايم و بازپرس جنايي سرگرم تحقيق در آن آپارتمان است. افسر نگهبان كلانتري هم گفت: خبر قتل را يك زن ناشناس در تماس تلفني به كلانتري داده بود و ما هم وقوع اين جنايت را به بازپرس جنايي اطلاع داديم. خبرنگار بخش حوادث روزنامه كه براي تهيه گزارش به محل حادثه رفته بود خبر داد در آپارتمان قفل بود كه بازپرس دستور داد قفل در ورودي را شكستند و براي تحقيق وارد آپارتمان شدند. ابتدا قندشكن خونين را ديدند كه كف اتاق

نشيمن بود. جنازه مقتول را در راهروي دستشويي پيدا كردند كه پزشك قانوني هنگام معاينه جسد قرباني موهاي آغشته به خون را از روي پيشاني جسد كنار زد با ديدن زخم عميقي تشخيص داد قاتل در تعقيب فلور در اتاق نشيمن قندشكن را بر سرش وارد آورده كه فلور با فرار به دستشويي بر زمين افتاده و كشته شد.

پزشك قانوني همچنين روي صورت و پشت دست‌هاي مقتول آثار خراش‌هاي خونين را مي‌ديد و مشخص بود با ناخن‌هاي بلند يك زن به وجود آمده است. چند تار از اثر موهاي طلايي قاتل هم روي پيشاني خونين قرباني پيدا بود و نشان مي‌داد قاتل يك زن مو طلايي است كه هنگام گلاويز شدن با قرباني باقي مانده بود، اما خانه شاگرد نوجوان فلور به نام سعداله كه نوجواني روستايي بود صبح زود به زادگاهش در حومه اردبيل فرار كرده بود. به دستور بازپرس سعداله در زادگاهش دستگير شد و اين پسر بچه نحيف و لاغراندام كه هيچ‌كس باور نمي‌كرد مرتكب قتل شده باشد اما او در تمامي مراحل بازجويي اين جمله را مرتب تكرار مي‌كرد كه من بودم كه خانم را كشتم... آثار ناخن‌هاي بلند با لاك قرمز و چند تار موي طلايي بر چهره خونين مقتول نشان نمي‌داد اين پسربچه قاتل باشد. همچنين هيچ اثر انگشتي از اين پسربچه نحيف روستايي روي قندشكن و سر و صورت قرباني نبود و گزارش‌هاي خبرنگاران ما نشان مي‌داد فلور به خاطر آبستن بودن از شاهزاده طرد شده دربار توسط زني مو طلايي به قتل رسيده. راز باردار بودن فلور از سوي پزشكان قانوني پنهان نگه داشته شد و روزنامه‌ها هم از افشاي اين راز منع شدند تا خانه شاگرد روستايي قاتل معرفي شود. سرانجام سعداله به عنوان قاتل فلور چهار سال به زندان محكوم شد كه چند ماهي را در جايي نگهش داشتند و از آن پس معلوم نشد چه بر سر اين جوانك روستايي آمده است.

اما بر سر شاهزاده عياش چه آمد؟

حميدرضا در آغاز دوران جواني‌اش بود كه به اصرار خانواده با مينو دولتشاهي از يك خانواده سرشناس وابسته به دربار ازدواج كرده بود تا سر به راه شود كه از اين ازدواج صاحب يك دختر به نام نيلوفر پهلوي شد اما اين زندگي مشترك ديري نپاييد و حميدرضا با هما.خ بدون ازدواج قانوني زندگي مشتركي را شروع كرد كه از او هم صاحب يك دختر و يك پسر شد. اين زندگي مشترك هم دوام چنداني پيدا نكرد و سرانجام حميدرضا پس از پيروزي انقلاب اسلامي در سال 1371 به دليل اعتياد شديد مواد مخدر در تهران در اوج آوارگي جان سپرد كه در بهشت زهرا دفنش كردند.

**محمد بلوری/ اعتماد / 5186